

برای فرار از «ریا»، نباید حضوری که تاریخ ما مقابل ما قرار داده است

شماره پرسش: ۲۸۰۵۱

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۹/۳/۱۵ ۲۳:۰۰:۰۱

متن پرسش

سلام استاد: مینویسم با دلی پر آه و درد، شاید جواب شما تسکین دهد قلب مرا جوانی هستم ۲۰ ساله، حدود ۴ ساله که کتب شما رو کار می‌کنم، در فهم مباحث مشکلی ندارم، ولی در عمل به مباحث سر تا پا مشکلم. شبی نیست که به حال خودم افسوس نخورم حقیقتاً فکر می‌کنم به پوچی رسیدم. نمیدونم تو زندگیم چیکار می‌خام بکنم. نمیدونم چطور مشکلاتم رو بگم. اینقدر به پوچی رسیدم که حتی نمیدونم مشکلم چیه. استاد دارم عذاب می‌کشم. میدونم راه کدوم طرفیه اما حرکت نمی‌کنم. میدونم باید چیکار کنم اما انجام نمیدم. اگر کاری انجام بدم فوری آلوده میشه به ریا... و منم نمیتوانم کاری کنم که ریا رو از خودم دور کنم. میدونم حرفام واضح نیست، درد دله. اما ازتون خواهش می‌کنم کمکم کنید. واقعا در عذابم. چیکار کنم که از این اوضاع نابسامان زندگی بیرون بیام؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: برای فرار از «ریا»، نباید حضوری که تاریخ ما مقابل ما قرار داده است، را ترک کرد. همان‌که متذکر ریا هستید، به مرور حجابِ اُنانیت برطرف می‌شود و در جهانِ معنویت زندگی خواهید کرد. موفق باشید